



مروری بر:

## امام علی (ع) و نهج البلاغه

از نگاه استاد جعفری

مقدمه

این مقاله در دو بخش تنظیم شده است. بخش اول توضیحاتی بر اول کتاب ترجمه و شرح نهج البلاغه استاد علامه جعفری (ره) است و بخش دوم در خصوص دیدگاه ایشان درباره امام علی (ع) است.

بخش اول:

مجلدات کتاب ترجمه و شرح نهج البلاغه از سال ۱۳۵۷ تا امروز ۲۶ جلد آن به تدریج توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر گردیده است و البته هنوز به پایان نرسیده است در اینجا به طور گذرا به نکاتی چند درباره این کتاب می‌پردازیم:

۱- ترجمه بسیار خوب و دقیق با توجه به توانایی بسیار بالای ایشان به زبان مبدأ و مقصد یعنی عربی و فارسی، قابل استفاده فراوان است؛ اگرچه همواره ترجمه تحت اللفظی و کلمه به کلمه نیست ولی با تکیه به متن، خواننده را به سهولت محتوای مطلب می‌رساند و این به کمک بکارگیری و رمزگشایی‌های استاد از متن بوسیله کلمات ایضاحی است.

۲- ایشان اصولاً شخصیتی جامع‌الاطراف بود و همین امر نکته بسیار حساس و مہمی در شکل‌گیری همه دیدگاه‌های ایشان و از جمله دریافت ایشان از نهج البلاغه بود. دلیل آن اهمیت این است که همواره رویکردهای یکجانبه به متون اسلامی همچون قرآن کریم و حدیث نبوی و ولوی، این خصوصیت را داشته است که نتیجه هم مانند رویکرد، یکجانبه بوده است. همانطور که در تاریخ تفسیر متون اسلامی مشاهده می‌کنیم گاهی نگاه و درک مفسر از متن به دلیل شکل‌گیری ذهن او بر اساس مباحث ادبی تفسیری ادبی را از قرآن و یا سنت به ارمغان آورده است و

همینطور است در عرصه‌های دیگری همچون فقه، حکمت، عرفان، کلام و... در عین آنکه از میان این تفاسیر در موارد زیادی کارهای بسیار بزرگی سر برآورده است که حتی در قالب زمان و مکان خود محصور نشده و به عنوان کارهایی ماندگار همچنان رفع عطش از کام تشنه مستفیدان می‌کنند. لیکن تفسیر و پرده‌برداری جامع‌الاطراف که بتواند دیدگاهی همه جانبه را از متن ارائه دهد در موارد بسیار نادری اتفاق افتاده است. چرا که چنین کاری نیاز به فردی دارد که خود در زمینه‌های مختلف پیش گفته، متبحر و صاحب‌نظر باشد. یکی از این نوادر، تفسیرالمیزان از علامه طباطبائی (ره) بود که نقطه عطفی در میان تفاسیر قرآن در جهان اسلام به حساب می‌آید. پس از آن، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه استاد علامه جعفری (ره) بود که در میان شروح نهج البلاغه از این امتیاز برخوردار شد. اگرچه ایشان در این تفسیر، زیباییهای لفظی، لغوی و ادبی نهج البلاغه را تبیین و توضیح می‌دهند و همواره بر آن تأکید دارند لیکن این هرگز مانع از توجه عمیق و موشکافی نسبت به معنای نهج البلاغه نبوده است.

وی در مقام فقهی توانا و صاحب‌نظر همواره سعی می‌کرد که مواجهه‌اش با متن به نحوی باشد که شرایط زمانی، مکانی، قرآینی لفظی و غیرلفظی و از همه مهمتر درک موقعیت مخاطبان و معنایی که از کلام حضرت، در ذهن آنها نقش می‌بندد که اصطلاحاً آنرا ظهور لفظ در معنا می‌گویند، مورد توجه باشد.

افزون بر این توجه به سند سخنان حضرت و اثبات موقوف بودن آنها از جمله این تلاش‌های فقیهانه اوست<sup>(۱)</sup> اما در کنار اینها نمی‌توان از نگاه دقیق و عمیق وی نسبت به فرمایشات حضرت براحتمی گذشت. او به خوبی

### ● سید محسن میری (حسینی)

می‌دانست که در ورای ظواهر متن، عمقی وجود دارد که غواص را در خود فرو می‌برد که دستاوردش همانا بی‌خودی عارفانه و حیرت در عظمت سخن و صاحب سخن خواهد بود و اگر کلامی با گوینده این سخن، امام علی (ع) داشته باشد همانند سخن برادران یوسف خواهد بود که به او که عزیز مصر گردیده بود با اظهار عجز و خضوع گفتند:

آی عزیز، ما و خاندان ما را گزند و پریشانی رسیده است و سرمایه‌ای ناچیز آورده‌ایم.

ما را پیمانته تمام بخش و بر ما صدقه ده که خداوند صدقه‌دهندگان را دوست دارد. (سوره یوسف آیه ۸۸)

استاد معتقد بود که در فهم کلام شخصیتی چون امیرالمؤمنین علی (ع) چاره‌ای جز بهره‌مندی از کلام الهی و نیز فرمایشات پیامبر اکرم (ص) در مورد علی (ع) و نیز امام علی (ع) درباره خود و پس از آن، تقرب به مقام طهارت و قدس توسط فردی که خواهان درک نسبت به کلام اوست نمی‌باشد.

استاد، امام علی (ع) را بسیار فراتر از افراد عادی و برجسته می‌دانست که با مشاهدات برخی رفتارهای آنان و توجه به برخی دیدگاه‌هایشان، بتوان نسبت به آنها شناسایی قابل توجهی پیدا کرد. (توضیح بیشتر در مورد شخصیت امام علی (ع) از دیدگاه استاد در بخش دوم همین مقاله خواهد آمد.)

۳- بررسی و تحلیل ارزشمند استاد از ابعاد فلسفی، عرفانی، کلامی، حقوقی و فلسفه حقوقی، جامعه‌شناختی، پرورشی، سیاسی و فلسفه سیاسی، بر اهمیت و ارزش این شرح افزوده است که بررسی آنها را به فرصتی فراخ‌تر وا می‌گذاریم.

۴- نکته بسیار مهم دیگری که در آثار ایشان بطور

عموم و در نهج البلاغه بطور خاص، خود را نشان می‌دهد، معطوف بودن عمده مطالب به دغدغه‌ها و چالش‌های حیاتی انسان معاصر است. همانطور که می‌دانیم، مدرنیسم و تجدد، در راستای تعارض و غلبه و محو فرهنگ و سنت قرون میانه اروپا با تبلیغات سرسام‌آور و جذاب خود و تأکید بر نقاط ضعف کلیسا و مسیحیت سنتی تحقق مدینه فاضله‌ای را داده بود که دل و هوش همه خلق را روده بود. چندانکه ایشان تمامی گمشده‌ها و مطلوب‌های نایافته خود را در آن جستجو می‌کردند اما دیری نپایید که با تحقق دوره جدید و بسط فرهنگ مدرن در جوامع انسانی کاستی‌ها و نارسایی‌ها و خلأهای فراوانی در به فعلیت رسانیدن امیدها و دل‌بستگی‌های انسان آشکار گردید که موجب پیدایش بحرانی بزرگ برای انسان گردید و ناامیدی، سرخوردگی، احساس بی‌هویتی و بی‌خانمانی از علائم این بحران بود بر این اساس تلاش بسیار زیادی توسط متفکران مغرب زمین جهت مهار و علاج این بحران بکار گرفته شد. و همچنان ادامه دارد فرهنگ تجددگرایی و تبدیل شدن آن به بحران و سپس پاسخ‌های به آن در غرب به دلیل گسترش ارتباطات به سرزمین ما نیز نفوذ کرد و تأثیرات خود را داشت و سده اخیر تاریخ ایران، شاهد چالش‌های فراوان بین سنت گرایان مسلمان از طرفی و منادیان نوگرایی، نودینی و ماده‌گرایی و... بوده است.

در این میان، متفکران معدودی که ضمن درک دوره معاصر و بحران آن، فرهنگ اسلامی را در این مواجهه توانمند می‌یافتند با توجه به چالش‌های موجود، جد و جهد فکری و فرهنگی فراوانی نمودند. در این میان استاد علامه نیز با بصیرتی که نسبت به دوره جدید و فرهنگ گسترده و متنوع آن یافت، دیدگاه‌های دینی خود را با عطف توجه چالش‌های معاصر عرضه کرد و این تلاش مقرون، توفیق بود.

آگاهی عمیق و گسترده ایشان از وضعیت و شرایط فرهنگی و تاریخی دوران ما قبل تجدد (قرون وسطی)، پیدایش دوره نوزایی (رنسانس) و تحقق آموزه‌های اجتماعی و فرهنگی این دوره، پیدایش بحران و راه‌حل‌های مختلف برای حل آنها، سبب شد که استاد موقعیت فعلی انسان معاصر بحران زده را به خوبی تشخیص دهد و دیدگاه‌های دینی را با توجه به موقعیت مذکور ارائه دهد.

ترجمه و تفسیر ایشان از نهج البلاغه، بخوبی نشانگر چنین امری است. مباحث متعدد و مربوط به این امر در عموم نوشته‌های ایشان و بخصوص در مجلدات

مختلف ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ایشان به خوبی نشانگر این امر است.

بخش دوم:

استاد راه‌هایی که از طریق آنها با شخصیت بزرگ و پیچیده امام علی (ع) آشنا می‌کند عبارت از: ۱- معرفی علی (ع) توسط خداوند ۲- توسط رسول گرامی اسلام ۳- توسط خود امیرالمؤمنین ۴- توسط تقرب تخلّق به اخلاق و صفات علی (ع) از سوی جوینده معرفت که در جلد ۱ کتاب شرح و تفسیر نهج البلاغه کتاب درباره این راه‌ها مطالب ارزنده‌ای آمده است (ج ۱ ص ۱۶۵ تا پایان کتاب) که در این مقاله به دلیل رعایت اختصار، درباره راه چهارم توضیحاتی ارائه می‌گردد.

تصویر استاد از شخصیت امام علی (ع)

استاد بر اساس مقدمات انسان‌شناختی و روانشناختی‌ای که درباره شخصیت علی (ع) بیان می‌کند به خوبی دلایل صعوبت و پیچیدگی وصول و تقرب به آن حضرت را ارائه می‌دهد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. در مواردی که فرد جویای شناسایی می‌خواهد به شخصیت بزرگی علم و آگاهی پیدا کند تا عناصر و فعالیت‌های روحی آن شخصیت را در درون خود دریافت ننموده باشد نمی‌تواند مدعی شود که شناسایی‌اش به حد نصاب رسیده است. (ر.ک. ج ۱ ص ۱۶۸)

می‌توان در توضیح بیشتر مطالب استاد گفت: و این بدان معناست که قالبها و مفاهیم ذهنی با همه تواناییهایی که در باز نمود و ارائه حقیقت دارند نمی‌توانند شخصیت‌های بزرگ را در دام خود اسیر و محدود کنند. زیرا گستره وجودی شخصیت بزرگ، از نقطه‌ای آغاز می‌شود که ذهن و اندیشه را بدان مقام راه نیست و آینه ذهن و اندیشه نمی‌تواند آن حقیقت را در خود منعکس کند.

عنا شکار کس نشود دام بازگیر

کاینجا همیشه باد بدست است دام را

برای فهم چنین حقیقتی می‌باید فرد خواستار آگاهی با تقرب وجودی و برقراری سختی بین خود و آن شخصیت بتواند تا حدی به فهم او نایل شود.

عقل گردی عقل را دانی کمال

عشق گردی عشق را دانی جمال

بنابراین درک لطافت مهر و محبت علی به خدا، پاکیزگی روح او، روحیه عدالتخواهی و حق جویی او و همه اوصاف او برای جوینده ابعاد شخصیت علی (ع) جز از این راه که این حالات و اوصاف را در حد وجودیش در خود تحقق دهد، میسر نیست.

شاید نقل استاد از میخایل نعیمه متفکر انسان‌گرایی مسیحی عرب در مورد امام علی (ع) در اینجا مناسب باشد که گفته بود: هیچ مورخ و نویسنده هر اندازه هم که از نبوغ و رادمردی ممتاز برخوردار بوده باشد نمی‌تواند شکل کاملی از انسان بزرگی مانند امام علی (ع)... ترسیم نماید. (ج ۱ ترجمه و شرح نهج البلاغه ص ۱۷۵) ۲. افزون بر نکته پیش گفته، مطلب مهم دیگر این است که اصولاً تحقق صفات و حالات عالی در انسان از چنان پیچیدگی برخوردار است که گاهی به سرحد تضاد می‌رسد.

انگیزه‌های درونی؛ بیرونی، موضوع محبوب، شدت و ضعف و درآمیختگی با پدیده‌های روانی دیگر چندان متنوع است که گویی جامع مشترکی بین اینها نیست. (همان ص ۱۶۸)

تفاوت آنکس که بروز و ظهور صفت محبت او به محبوبی نفسانی و شهوانی، مادی و گذرا است و انگیزه این محبت سرشار از منیت و خودخواهی و خودپرستی است با آنکس که بروز صفت محبت در او جایی برای خودپرستی و دنیاگری نگذاشته است به خوبی آشکار است. آن محبت که بر اساس عامل لذت و نفسانیت شکل گرفته باشد هرگاه مشمول کیفر و عقوبت شود آن محبت تبدیل به دشمنی و کینه و عداوت می‌شود اما محبت در شخصیت رشد یافته چنین نیست (همان ص ۱۶۹). اگر بخواهیم برای این سخن استاد شاهدی بیاریم فراز ذیل از مناجات شعبانیه در راز و نیازی که انسان کامل و رشد یافته به محبوب خود، خداوند متعال می‌کند بسیار قابل توجه است. الهی... و آن ادخلتنی النار أعلمت أهلها آنی أحتج

ترجمه: ای معبود من... و اگر مرا در آتش وارد کنی اهل دوزخ را آگاه می‌کنم که ترا دوست می‌دارم.

به این ترتیب آنچه که برای شخصیتی چون علی (ع) مطرح است محبت با انگیزه‌های قطعی الهی است که حتی عقوبتی همچون آتش جهنم نیز نمی‌توان بر آتش محبت علی غلبه کند و او را از فریاد شیفگی و شیدایی نسبت به حق باز دارد. چرا که او عبودیت و بخشش را بر اساس حریت و آزادگی بنا کرده و خدا را بخاطر خود او می‌خواهد و می‌طلبد و نه برای دوری از جهنم و یا وصول به بهشت.

من که امروز بهشت نقد حاصل می‌شود

و عده فردای زاهد را چرا باور کنم

پطروشفسکی مورخ برجسته معروف روسی گفته بود: "علی تا سر حد شور و عشق پایبند دین بود و تمام صفات اولیاء الله در وجودش جمع بود." (همان ص ۱۷۶)

« او بر آن بود که انسان برای فهم شخصیت برجسته امام علی (ع) می‌باید تقرب و جودی و شهودی و ایجاد سنخیت بین خود و آن بزرگ، حاصل کند.



« استاد علامه با بصیرتی که نسبت به دوره جدید و فرهنگ گسترده و متنوع آن یافت دیدگاه‌های دینی اصیل خود را با عطف توجه به چالش‌های معاصر عرضه کرد و این تلاش، مقرون توفیق بود.

رسول گرامی اسلام نیز بر این شور و شیدایی علی نسبت به حق شهادت داد:

"لا تسبوا علیاً فانه ممسوس فی ذات الله: علی را دشنام ندهید که او شیفته و بی‌قرار خداست و چنین می‌شود که به تعبیر عرفا انسان شوریده و اهل جذبه، مظهر اتم و اکمل محبوب خود یعنی خدای متعال می‌گردد و همه وجودش، آینه‌وار، درخشش خداوند را به نمایش می‌گذارد که امام علی (ع) خود فرمود مآله آیه اکبر متی و همین انسان شیفته که در قوس صعود، دستگیر و راهنمای خلق است در قوس نزول وجود، مایه همه نیکی‌ها و رحمت‌های خداوند است و مرهم همه رنجها و دردهای بشر

شاد باش ای عشق خوش سودای ما

ای طیب جمله علت‌های ما

ای دوی نخوت و ناموس ما

ای تو افلاطون و جالینوس ما

۳. پدیده‌های ترکیبی مفاهیم عالی انسانی در درون شخصیت‌ها با نظر به عظمت رشدی که دارند بسیار پیچیده‌تر و ظریف‌تر از آن هستند که در انسان‌های معمولی بوجود می‌آیند! مثل ترکیب پدیده عدالت و محبت که هر دو وابسته به یک مبدأ عالیت‌رند، از دید معمولی که اینها را منفرداً و گسیخته از علم می‌بیند قابل درک نیست. هنگامی که یک شخصیت همچون علی، دارای ویژگی‌های در حد اعلا همچون وابستگی به خدا، روحیه سلحشوری، معرفت اخلاق در همه وجوه اصیلش و... دارد این پیچیدگی صد چندان می‌گردد (همان ص ۱۶۹) و به این ترتیب چنین شخصیتی فراتر از زمان و مکان می‌گردد و توگویی فاصله‌اش با خلق، فاصله‌ای پرناشدنی است.

در بیان عظمت حضرت علی(ع)، سخن شبلی شمیل از دانشمندان برجسته ماده‌گرا که تمامی امور غیرمادی را جز خرافه نمی‌پندارد، به عنوان شاهد ذکر می‌کند.

"علی بن ابی طالب، بزرگ بزرگانی، یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب، نه در گذشته و نه امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است. (همان ص ۱۷۱)

پانوشته:

(۱) ترجمه و تفسیر نهج البلاغه ج ۲